

بلغ العظمى

به همت جمعی از "طلاب علاقمند
به حوزه اخلاق" برگزار می گردد:

فلسفه اخلاق
کارگاه

وقته از "نظام اخلاق اسلام" حرف می زنیم ، از چه سخن می گوئیم ؟



حجت الاسلام والمسلمین

امیر غنوی

عضو هیات علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

زمان : دوشنبه ۱۰ آذرماه . ساعت ۱۸

مکان : قم . خیابان صفائیه . کوچه ۲۵ . فرعی اول سمت چپ . پلاک ۸۷

برای اطلاع از نشست های آتی ، نام و نام خانوادگی خود را به سامانه ۰۷۳۰۷۴۷۳۷۰۹۱۲۷۰۹۱۰۰۰ پیامک فرمایید.



کارگاه فلسفه اخلاق، جلسه سوم

وقتی از "نظام اخلاقی اسلام" حرف می‌زنیم، از چه سخن می‌گوییم؟

حجت الاسلام والمسلمین امیر غنوی. ۱۰ آذر ماه ۱۳۹۵. به قلم: مریم قاسمی

چکیده:

بحث نظام نخستین بار در فضای پس از انقلاب و در مواجهه با مکاتبی که در آن دوران رواج داشت، مطرح شد. سؤالی که در آن دوران در برابر اندیشه اسلامی مطرح شد، این بود که آیا اسلام در زمینه‌های مختلف پاسخگوی سوال‌ها و نیازهای متنوع و در حال تغییر بشر هست یا نه! پاسخ این است که بررسی‌ها در ادله و همچنین استدلال عقلانی و جامعیت و خاتمیت دین اسلام می‌تواند شاهد و دلیلی باشد بر این که چنین نظام منجمی در میان آموزه‌های اخلاقی ما وجود دارد. اما سوال دوم این است مشکلاتی که بعد از انقلاب برای کشور بوجود می‌آید و نیز نیازهای نوپیدا و سوالاتی که هر روز تغییر می‌کند آیا حوزه‌ی اخلاق یا سایر حوزه‌ها می‌تواند جوابگو این سوالات باشد؟ نظام اخلاقی اسلامی در مقابل مسائل نو و جدید همانند سایر نظام‌ها پاسخگوست. هم مانند مکاتبی همچون وظیفه‌گرا و سودگرا دارای اصول و مبانی است که می‌تواند نظام ارزشی خود را براساس آن پایه‌ریزی کند و هم در حوزه اخلاق سنتی در باب فضیلت و رذیلت دارای پایه‌های منسجم و هدفمند است.

نظام اخلاق اسلامی پس از انقلاب در مواجهه با مکاتب معاصر

خوشحالم که خدمت‌تان هستم و خوشحال‌تر از اینکه بعضی دوستان بالاخره به موضوع متروک و مهجور اخلاق علاقمند شدند. ۲۰ سال پیش درس اخلاق را کسانی می‌گفتند که در هیچ زمینه علمی توانایی نداشتند و بیشتر بلد بودند یک سری صحبت‌های کلی را به شیوه شیرینی تعریف کنند.

بحث اخلاق به عنوان یک مجموعه‌ی علمی کمتر به آن توجه شده است. شاید مقدمه‌ی مرحوم مظفر را بر کتاب جامع السادات دیده باشید که او هم گله از این دارد که حتی در فضای علمی وقتی مراجعه می‌کنیم، می‌بینیم که اخلاقیون عادت دارند احادیث را بدون ذکر سند بیاورند. بعد آن‌ها ایراد می‌گیرند که آخر این چه نوع نقل سخنی است که اثبات صدورش دچار ابهام و اشکال است و صرفاً گویی که مطلب و متن خودمان را مزین به آیات و

روایات می‌کنیم و خوشحالم که بعضی دوستان بیشتر به این موضوع عنایت کردند. ظاهراً تلاش می‌کنند در این وادی کار علمی کنند.

نمی‌دانم این عنوان چقدر در ذهن تان تکرار داشته و بسامدش چقدر است ولی در نسل ما که وقتی انقلاب هم شد، این بحث لااقل دوبار در تاریخ فکری معاصر شاهد اوج گرفتنش بودیم. نه بحث نظام اخلاقی بلکه بحث نظام‌ها، یک دور این گفتگوها قبل از انقلاب اوج گرفت، جایی که بعد از آمدن آن ۵۳ نفر معروف به ایران و طرح مارکسیست به صورت منسجم و مرتب در فضای فکری یک نوع حساسیتی را میان اندیشمندان مان ایجاد کرد و ما با مجموعه‌ای مواجه شدیم که از پایین تا بالا به صورت شبکه‌ی منسجم و منظم مطالبش را عرضه می‌کرد. نمی‌دانم چقدر با مارکسیست آشنا هستید اما الان جزء تاریخ شده. مارکسیست یک مکتب فوق‌العاده قدرتمند در دوره خودش بود. شاید تنها مکتب جدی و مسلط در دنیای آن روز بود که از پیدایش جهان، از تحول ماده تا رسیدن به هدف حرف داشت. از شروع جامعه کمون اولیه از واژه های مختلف حرف داشت تا حتی پیش‌گویی از آینده تاریخ هم می‌کرد. یک مکتب کامل که در همه زمینه‌ها اظهارنظر می‌کرد. حتی کتاب‌های مثل آنتی دورینگ^۱ را اگر شما بخوانید می‌بینید اظهارنظر حتی در ریاضیات و فیزیک و شیمی هم بوده که بسیار گسترده است.



در آن دوره حوزه علمیه به خود آمد و احساس کرد که از دور بازی خیلی عقب است و در برابر مکتب مصلح مهاجمی قرار دارد که هیچ ابزار مناسبی برای برخورد با آن ندارد. یک مجموعه‌ی منظمی از سطر تا ذیل همه چیزش انسجام دارد. شما اگر مرور کنید می‌بینید که در آن دوره یک سری کتاب‌های تحت عنوان نظام اجتماعی اسلام نوشته شده است.

تلاش‌هایی که متفکرین ما انجام می‌دهند در مقابل و مقابله‌ی با نظامات فکری الحادی و مادی که در برابر

^۱. نام کتابی است نوشته فردریش انگلس که نخستین بار در سال ۱۸۷۸ به زبان آلمانی منتشر شد.

دین قد علم کردند، کم بوده است. مثلاً آن‌ها دین را افیون توده‌ها می‌دانند و آن را جزء ابزارهای جناح برای تحمیق مردم حاکم می‌دانند. فضای اسلامی آن دوره شاهد یک سلسله نوشته و تلاش و فکر است. حتی کتابی مثل نظام اقتصادی اسلام ما داریم. مرحوم شهید صدر مال همان دوره است.

ضرورت توجه به مبانی نظام اخلاق اسلامی

بعد از دوره‌هایی، دوباره این قصه رنگ باخت و پایین آمد. بخصوص قبل از انقلاب در فضای شور و هیجان کمتر شد. ولی پس از انقلاب دوباره می‌بینید داستان به یک مناسبت دیگری اوج گرفت. انقلاب که شد گفتند چطوری کشور را اداره کنیم. من یادم هست، می‌گفتند قانون همان تحریرالوسیله معروف امام است. جلوی مان می‌گذاریم و در وادی‌های مختلف می‌بینیم که در هر جا حکم چیست و براساس آن عمل می‌کنیم.

هر جا مشکلی هم پیش می‌آمد، اگر جوابش را در تحریرالوسیله پیدا نمی‌کردند، متمسک می‌شدند به بحث مصلحت و بحث اضطرار و عناوین ثانویه که یواش یواش احساس شد مثل اینکه یک چیزی به اسم «عناوین ثانوی» داریم که آن‌ها اصل است. عناوینی که بیشتر به میدان موانع شبیه است که حالا یک جوری باید از آن عبور کرد. این سیستم فکری خیلی آزاردهنده بود. یعنی پس از انقلاب چیزی که مطرح شد و احساس شد باید روی آن کار شود، این بود که آیا اسلام در زمینه‌های مختلف جوابگو و پاسخگوی سوال‌ها و نیازهای متنوع و در حال تغییر هست یا نه!

در اینجا وقتی بحث از نظام‌های دینی، خصوصاً نظام‌های اجتماعی مطرح شد در حقیقت نگاه مکاتب دیگر نبود. گاه به فضای عمل بود و اینکه ما یک مجموعه‌ی گسترده‌ی سوالات داریم که آیا اسلام توان پاسخگویی به این مجموعه را دارد یا نه! حوزه و متدینین و معتقدین به فکر افتادند که در این زمینه کارهایی انجام بدهند.

اگر به منشورات و کتاب‌های چاپ شده از طریق دفتر همکاری حوزه و دانشگاه بخصوص مراجعه کنید، می‌بینید که یک دوره‌ای خیلی از این کتاب‌ها چاپ شد. درآمدی بر حقوق اسلامی، درآمدی بر جامعه‌شناسی اسلامی، درآمدی بر اقتصاد اسلامی، تعبیر «درآمدی» زیاد دیده می‌شد ولی عملاً مقصود این بود که یک مجموعه‌ی منظمی تحت عنوان اقتصاد اسلامی، جامعه‌شناسی اسلامی و بقیه امور اجتماعی با پسوند اسلام عرضه کنند. تعداد کمی هم کتاب چاپ نشد. زحماتی کشیدند هنوز هم خواندنی است. این نوشته‌ها باز یک دوره‌ای داشتند. یک فراز و فرودی داشتند. مثلاً اول آمدند «درآمدی بر اقتصاد اسلامی» نوشتند بعد به موضوع اقتصاد اسلامی پرداختند. راجع به پول

حتی کتاب نوشتند، یعنی موضوعات جدی اسلامی، این کتاب در حوزه چاپ شد. یک دفعه می‌بینید از یک مقطعی به بعد کلاً تعطیل شد و این اصطلاحات به تاریخ پیوست.

دیدگاه های مختلف اندیشمندان به نظام اخلاقی اسلامی

پیش یکی از عزیزان بودم. ایشان می‌گفت: در بحث نظام اخلاقی اسلام کاری نشده. با دیگر اساتید معروف

حوزه من جلسه‌ای داشتیم. یکی از عزیزان گفتند: چنین چیزی

نیست. ما آدرس غلط می‌دهیم. کی گفته ما باید نظام حقوقی

اسلامی داشته باشیم؛ یعنی بعضی‌ها منکر اصل قصه‌اند. چه نیازی

به این حرف‌هاست. ما یک سری آموزه‌ها و دستورات و برنامه-

هایی در حوزه‌های مختلف عرضه شده داریم. چرا ادعاهایی می-

کنیم که زیر آن ادعاها بمانیم. مثلاً نظام حقوقی داریم و طبیعتاً این

سوال برای آدم اینجا پدید می‌آید که؛



اولاً؛ این بحث ضرورتی دارد یا نه؛ ثانیاً؛ آیا اگر هم ضرورتی دارد موجودی ما اقتضای این را دارد یا نه حرف

بزرگی می‌زنیم و جوابگو نخواهیم بود. باز در دوره‌های ما این کاملاً قابل حس بود. آنهايي که با امید راه افتادند و

نوشتن را شروع کردند، بعضی از فضلاء مشهور حوزه بودند. مثلاً یک کتابی نوشتند در باب اندیشه مدون و نظامند،

بعد آمدند راجع به اقتصاد اسلامی سعی و کار کنند. آخر سر حتی نوشته‌هایشان را هم چاپ نکردند. این معنا دارد.

آن نوشته اول راجع به اصل طرح بود که سه بار ایشان عوض کرد، بعد نوشته دوم هم به صورت تایپ شده درآمد،

اما در آخر چاپ نشد. اینها از نظر من معنا دارد؛ یعنی به جایی از این پروژه نرسید. ما بهتر ببینیم اصلاً این به

صورت یک شعار و یک حرف و یک مقابله در برابر مکاتب دیگر در قبل از انقلاب و به عنوان یک راه حل جامع

در بعد از انقلاب آیا ضرورتی داشته یا نه که حالا اسمش را هم می‌گذاریم نظام اخلاقی اسلام.

عرضم این است که ابتدا یک قدری آدم احساس می‌کند که سر بی‌صاحب می‌تراشد. روزی که در برابر مارکسیست-

ها ما حرف می‌زدیم، با مجموعه‌های اندیشه‌های منظمی سر و کار داشتیم که برخلاف حرف‌های ما که تک واژه یا

تک عبارت یا تک تحلیل است. یک مجموعه کاملاً منظم و مرتب ارائه می‌دادند که به همه‌ی ابعاد زندگی و حتی

فکر آدم ناظر بود. آیا ما چنین مجموعه‌ای را در دین داریم یا نداریم؟ اگر بخواهیم در قبال آنها حرف بزنیم.

دوم؛ اگر بعد از انقلاب، آیا ما برای مجموعه‌ی مشکلات و سوالاتی که پدید می‌آید یک نظام جوابگویی در همه عرصه‌ها داریم یا نداریم؟! اول به این پایه و مبنا برسیم تا بعد بیاییم اسم بر او بگذاریم برای آنچه که داریم.

منظور از نظام اخلاق اسلامی چیست؟

یک نکته مسلم است اگر منظور از نظام اخلاقی و اقتصادی یا هر چیز دیگر به تعبیر «اسلامی» این باشد که ما مجموعه‌ی آموزه‌هایمان در هر حوزه یک ارتباط و انسجامی با هم دارند و یک نوع هدفمندی در آن است که گویی آنچه که در اقتصاد می‌گوییم همه یک جوری با هم ربط پیدا می‌کند تا چیزهایی در جامعه در حوزه اقتصاد محقق کند.

آنچه که در حوزه اخلاق می‌گوییم؛ مجموعه‌ی از آموزه‌های است که به هم مرتبط و منسجم است و روی هم رفته تحقق یک اهدافی را می‌خواهد نشانه برود. اگر منظور از نظام این باشد، ظاهراً برای هر کسی که مطالعه در متون دینی داشته باشد، معلوم است. مگر اینکه بخواهیم اجمالی و گذرا عبور کنیم. این اصلاً اقتضای پذیرش دین است، یا خود آموزه‌های دینی هم بر این شهادت می‌دهد. عقلاً هم می‌شود بر این استدلال کرد که ضرورت دین هر چه که آنجا گفتیم اینجا هم می‌شود از آن نتیجه گرفت. هم با توجه به مرور متون دینی می‌شود این برداشت را داشت که ما با نظام یا لااقل نظام واژه‌هایی طرف هستیم. در مجموعه‌ی آموزه‌های دینی. اما سوال اول:

آیا ما در برابر مکاتب دیگری مثل مارکسیسم یک نوع نگاه و دید تازه داریم یا نه؟ جواب این است که تاریخ علمی خودمان را که نگاه می‌کنیم می‌بینیم که همیشه این ادعا و این ادبیات در نوشته‌های مسلمین موجود بود. فرض بفرمایید ما در حوزه هستی‌شناسی یک دنیا بحث کلامی داریم. در حوزه انسان‌شناسی کلی حرف و گفتگو چه در علم النفس، در بحث‌های فلسفی و در مقدمات مباحث اخلاقی داریم. یعنی در این حوزه‌ها ادبیات مسلمین و متون دینی یعنی قرآن و روایات حکایت از این دارد. ما در این زمینه‌ها خیلی مطلب داریم. حالا من تحلیل نمی‌خواهم کنم. قضاوت هم نمی‌خواهم کنم. اگر شما مروری بر حوزه اخلاق کنید، من بعید نمی‌دانم مجموعه‌ی روایات اخلاقی را به مدلی که شیخ حر عاملی احکام را جمع کرده در یک جا جمع کنید. لااقل یک چیزی نزدیک نصف وسائل الشیعه موجود خواهد شد. اگر بیش از آن نشود و حجم روایات اخلاقی ما خیلی بالاست. اتفاقاً اگر هم اهل کار بوده باشید متوجه شدید که معمول این روایات هم خیلی به آن توجه دقیقی نشده نمونه برایتان بگویم من در نوشته‌ای که چاپ شده، راجع به مراحل سلوک در روایات به نام سلوک اخلاقی طرح-

های روایی است. در این کتاب از یک روایتی که اسمش را درجات اسلام گذاشتم، یاد کردم که این روایت تقریباً به ده سند نقل شده است. شما در احکام هم کمتر روایتی را پیدا می‌کنید که به ده سند نقل شده باشد و نشان می‌دهد که از دوره‌ی -اگر اشتباه نکنم- از دوره‌ی امام باقر (علیه السلام)،

حالا شاید از امام سجاد (علیه السلام) هم سند داشته باشد، از دوره امام باقر (علیه السلام) تا ائمه بعدی مضمون دائماً تکرار شده. ولی باورتان می‌شود که حتی یک شرح مختصر و کوتاه درباره این روایتی که ده سند دارد نداریم. بالاتر از آن، حتی در کتاب‌های اخلاقی ما از باب تیمن و تبرک هم من نیافتم که به این روایت اشاره شده باشد. آن وقت از چه موضوعی این روایت گفتگو می‌کند؟ نه از یک موضوع جزئی اخلاقی بلکه از محور ستون فقرات مباحث اخلاقی بحث می‌کند. آن‌هایی که

آیا نظام اخلاق اسلامی در زمینه‌های مختلف، پاسخگوی سوالات و نیازهای متنوع و در حال تغییر است یا نه؟ بررسی‌ها در ادله و همچنین استدلال عقلانی و جامعیت و خاتمیت دین اسلام می‌تواند شاهد و دلیلی باشد بر این که آموزه‌های اخلاقی دارای ظرفیتی است که ما غافل از آنها هستیم.

بحث‌های اخلاقی کار کرده باشند، می‌دانند که این ستون فقرات بحث می‌شود و این نشان می‌دهد که ما از موجودی خودمان خیلی بی‌اطلاعیم. من در همان نوشته اگر کسی با تیز بخواند و با چکش بر سر مطالبش بزند، متوجه می‌شود که تلاش من این بوده که آنجا صرفاً تفقه اخلاقی داشته باشم. تلاشم این است که حرفی از من یا حتی از دیگران نباشد. هرچه می‌کنیم استنساق ادله باشد، یعنی تلاش کنیم همان مدلی که یک فقیه در احکام حرف می‌زند که وقتی می‌خواهد دلیل بیاورد، مشخص است که ادله‌ی او ادله‌ی معلومی است. کتاب و سنت است؛ حالا اجماعی باشد یا دلیل عقلانی باشد به آن استناد می‌کند. در اینجا هم می‌بینید که همه مسائل سعی شده بر همین اساس توضیح داده شود. لاقلاً حتی حرف‌های بنده را آنجا نپذیرید اما یکی بتواند این ادعا را کند تا یک جایی برایش استدلال کند، نشان می‌دهد که خیلی ظرفیت بوده که ما از آن غافل ماندیم.

پس نکته اول این است که با بررسی‌ها در ادله و همچنین استدلال عقلانی و جامعیت و خاتمیت دین اسلام می‌تواند شاهدهی و دلیلی باشد بر این که یک چنین نظام و نظام‌واره‌ی در میان آموزه‌های اخلاقی ما وجود دارد.

نکته‌ی دوم؛ در خصوص پرسش بعد از انقلاب است. آیا بعد از انقلاب مشکلاتی که جمهوری اسلامی دارد و نیازهای نوپیدایی که با آنها روبروست و سوالاتی که هر روز تغییر می‌کند، در حوزه‌ی اخلاق یا بقیه‌ی حوزه‌ها

جوابگو هستیم و آیا نظام اخلاقی پاسخی در این زمینه ها دارد که سوال کنیم و بتوان براساس آنها برای ما جواب بدهد؟ این جا باید یک مقدمه‌ی دیگری را بچینیم.

البته دقت دارید من هر چه الان می گویم در حقیقت سرفصل های سلسله گفتگوهای مذهبی است. هر کدامش برای شما جای تأمل و تحقیق و مطالعه خیلی دارد.

نظام اخلاق اسلامی پاسخگوی مسائل روز کشور است

در خصوص موضوع دوم یعنی پاسخگویی نظام اخلاقی به مجموعه ی سوالات نوشونده این نکته را باید توجه کنیم که امروز مانند سایر نظام پاسخ داریم.

فرض بفرمایید در حوزه اقتصاد شما نظام کاپیتالیستی را دارید. نظام سرمایه داری داریم که در هر حوزه ای وارد می شوید براساس آیت‌ها و پذیرفته ها و اصولی که آنجا قبول کردند پاسخی به شما می‌دهند. این سوال براساس آن نگاه چه جوابی دارد. اگر به این مسئله بنگریم نظام اخلاقی ما هم کاملاً می‌تواند جوابگو باشد همانند جوابگوی و پاسخگویی سایر نظام‌های دیگر. اما به یک نکته باید توجه کرد و آن این است که هر نظام اخلاقی در این دید دومی که عرض می‌کنم تقریباً یک ساختار مخروطی دارد. یعنی وقتی شما یک مجموعه را چه در اقتصاد چه در اخلاق و چه در حقوق نگاه می‌کنید این مجموعه براساس پاسخ دادن به یک سلسله سوالات بنیادین بنا می‌شود. وقتی می‌گویید نظام حقوقی فلان مثلاً «کامن لاو» یعنی نظام حقوقی عرفی، یا رومی-ژرمنی یعنی نظام حقوقی مدون، اینها براساس یک سلسله اصول قواعد که تعدادشان هم گاهی از اوقات به انگشتان دو دست نمی‌رسد، بنیان گذاشته می‌شوند و بعد تکثیر و تولید می‌شوند و بعد به یک سری قواعد کلی تبدیل می‌شوند و بعد هر سوالی را می‌پرسید آن فرد می‌تواند در آن حوزه ای که شما از او سوال می‌کنید، جواب بدهد. اگر مقصود این است، بله ما برای همه اینها به مدل همه نظامها جواب داریم. مثلاً در حوزه اخلاق شما وظیفه گرا هستید. اگر بحث اخلاق منظورمان بحث نظام ارزشی باشد. چون نظام ارزشی دو اصطلاح است. بله ما جواب داریم. برای اینکه ارزش‌های کلیدی و پایه کدامند. برای اینکه ما کدام رویکرد را قبول داریم؛ وظیفه گرا هستیم یا سود گرا هستیم؟ اینها همه جواب دارند. براساس آن جوابهای کلیدی و پایه ای که ما می‌دهیم ما می‌توانیم نظام ارزشی خودمان را بنا کنیم و جوابگوی به همه سوالاتی باشیم که همه نظام های ارزشی به آنها جواب می‌دهند.

اما اگر منظورمان از نظام اخلاقی آن چیزی باشد که در سنت مسلمین به آن اخلاق می‌گویند- در سنت مسلمین به خلق و خواها اخلاق می‌گویند نه ارزش‌ها- یعنی در حقیقت اخلاق در سنت مسلمین عبارت است از گفتگو راجع به کیفیت تحول نفس، فضائل و رذائل. اگر از این می‌خواهید گفتگو کنید آیا اسلام در این زمینه مبانی و نقاط کلیدی دارد؟ ارسطو چیزهایی دارد، دیگران هم حرف‌هایی دارند. حالا ما هم حرف‌هایی داریم. ما هم در این زمینه در این نقاط کلیدی پاسخ‌هایی مستقلی داریم.

من عرض کردم دو تعبیر در حوزه اخلاق داریم: گاهی می‌گوییم اخلاق که بیشتر در سنت غربی به نظام ارزش‌ها اخلاق می‌گفتند، یعنی معیارهایی که براساس آن خوبی و بدی و باید و نباید تعریف می‌شود. این یک مبحث است. بحث دیگر که ما به آن در سنت گذشته‌مان اخلاق می‌گفتیم، هر دو هم هیچ اشکالی ندارد یک سری سوالات و گفتگوست. هر دو با هم مرتبط ولی متفاوت است. ما بحث از فضائل و رذائل را اخلاق می‌گفتیم، یعنی بحث در چگونگی تحول انسان، فضائل مثبت و رذایل.

ارسطو قوایی را در انسان مشخص می‌کند و نیز وضعیت مطلوبی را

بین این قوا تعریف می‌کند که دیگر خودتان این چیزها را بلدید.

معیار اینکه به چه چیز خوب می‌گوییم و به چه چیز بد می‌گوییم، کجاست و از بحث اخلاق هنجاری و فرااخلاق گفتگو می‌کند، اینها همه در فضای گفتگوهای سنت غربی مطرح است که ما هم باید جواب بدهیم. ما در همان حوزه باید تکلیف‌مان را معلوم کنیم، یعنی اینها برای ما یکسری سوالات تازه است که ما هم باید جوابگو باشیم. یک حوزه گفتگوی دیگر ما داشتیم قبلاً که این را هم اسمش را اخلاق گذاشته. اخلاق به معنی جمع خلق و خواها. گفتگو از اینکه انسان چه مکانیسمی دارد، چطور می‌تواند در خودش خلق خوب ایجاد کند، چطوری گرفتار می‌شود و خلق بد ایجاد می‌شود. این یک موضوع گفتگوی متفاوت ولی مرتبط با آن بحث هاست. اصلاً باید به آنها تاکید

نظام اخلاقی اسلامی در مقابل مسائل نو و جدید همانند سایر نظام‌ها پاسخگوست. هم مانند مکاتبی همچون وظیفه‌گرا و سودگرا دارای اصول و مبانی است که می‌تواند نظام ارزشی خود را براساس آن پایه‌ریزی کند و هم در حوزه اخلاق سنتی در باب فضیلت و رذیلت‌ها دارای پایه‌های منسجم و هدفمند است.

کنیم دو نوع گفتگوست: ما دو مورد نظام اخلاقی داریم، یعنی به این معنا ما هم نظام ارزشی اسلام داریم، هم بحث کیفیت تحول انسان به مثبت و منفی اسلام.

در حوزه ما باید جوابگوی بحث‌های اخلاقی باشیم. هشت دسته از مسائلی که ما تحت عنوان اخلاق می‌توانیم از آن‌ها گفتگو کنیم. هسته‌ی سخت جواب گفتن در همه هشت مورد بحث نظام اخلاقی اسلام است که ما براساس آن باورهای منسجم مرتبط هدفمند سعی می‌کنیم جوابگوی به سوالات باشیم.

منظور ما از اسلامی بودن اخلاق این نیست که حتماً و باید آخوند و روحانی در این حوزه اظهار نظر کند، بلکه متکی بودن مبانی و پایه‌های اخلاق بر ظهورات ادله‌ی شرعی است.

پس من خلاصه‌ی عرض من این است که مراد ما از نظام اخلاقی اسلام می‌تواند آن چیزی باشد که فی‌الواقع هم جوابگوی نیازهای گذشته‌ی ماست. در قبل از انقلاب ما در برابر مکاتب و مدعیانی که نظام‌های گسترده‌ای داشتند ما هم واقعاً به همان شکل مکتب و حرف خودمان را عرضه کنیم و هم می‌توانیم جوابگوی نیازهای

پس از انقلاب باشد به معنای پاسخگویی به سوالات و نیازهای نوشونده و این تعبیر نظام و اخلاق و اسلام را هم اگر بخواهم در سه جمله توضیح بدهم نظام در حقیقت آن هسته‌ی سخت و آن صعب (در زبان عربی نظام را تعریف می‌کنند سِرکُ الذی ینتظم الیه) نخی که می‌کشند و همه چیز را با آن نظم می‌دهند. ما یک هسته سختی داریم که می‌تواند از مجموعه‌ی آموزه‌های اخلاقی جوابگو نیازهای نو شونده باشد و هم در ایجاد یک مجموعه‌ی منظم و منسجم در برابر مجموعه‌های دیگر می‌تواند باشد. همین‌طور وقتی وقتی راجع به اخلاقی بودن حرف می‌زنیم اخلاق به دو معنا می‌تواند باشد و دو حوزه‌ی گفتگو را پوشش می‌دهد.

یک: بحث اخلاق به معنی ارزش‌ها و اخلاق به معنی گفتگو از کیفیت تحول مثبت و منفی انسان به زبان قدیمی فضائل و رذایل. این هم از کلمه اخلاق است اما اسلام هم که می‌گوییم مراد ما این نیست که روحانی و آخوند در رابطه با این موضوع اظهار نظر کنند. متأسفانه در حوزه الان اینطوری است. مثلاً فرض بفرمایید آقای فلانی که استاد کلام است در حوزه مباحث فقهی هم اظهار نظر می‌کند. منظور ما از اسلام ما عالم اسلامی نیست. منظور ما این است که مجموعه‌ی آن نظام خصوصاً پایه‌ها و پاسخ‌هایی به سوالات اصلی نظام به هر معنایی درست به مدل استنتاج ادله مبتنی بر آموزه‌های دینی می‌باشد، یعنی همانطور که چرا تسبیحات اربعه در رکعت سوم و چهارم می‌خوانیم

شما روایاتی بر این موضوع اقامه می کنید و بر سند و دلالتش استدلال می کنید در اینجا هم اسلامی بودن یعنی متکی بودن بر ظهورات ادله ی شرعی حد اقل در مبانی و پایه های بحثی که داریم.